

# جنگی از اشعار

## شاعران ارمنی زبان ایران

دستها  
زندگی آوازمیخواند  
در برابر تصویر پدرم

گالوست خاننس

شعر تک هجایی  
به آب  
کمال

آرشاویر مگردیچ

پرتال جامع علوم انسانی

بخاطر انسان  
مترس  
به خانه باز گشته ام

آشوت اسلانیان

مرواریدی  
در میان روشنیها  
اراتورپو

زوریک میرزایانس

یکی دو سال قبل از جنگ جهانی دوم، گروهی از شاعران و نویسندگان جامعه‌ارامنه‌مقیم ایران فراهم آمدند؛ بسامان بخشیدن ادب نوار مینی.

این نویسندگان و شاعران از همان روزهای نخستین به نام گروه ادبی «نوراج» (صفحه نو) شناخته شدند - و همین اسم را نیز پذیرفتند.

این گروه ادبی بی‌شبهت نبود به گروهی بنام «تصویر گران» که در یکی دو سال قبل از جنگ جهانی اول، گرد از را پاندم جمع آمده بودند. اما اگر در لندن از را پاندمه چیز را در خود تمرکز داد و شخصیت دیگران را در سایه خویش پنهان کرد و در اقلیم پنهان شعر گونه‌ای خود گامی بوجود آورد، در تهران میان شعرای گروه «نوراج» هیچکدام را بدیگری فضل و رجحانی نبود، کوشیدند راهی را هموار کنند و با هم پیش روند.

جنگ جهانی دوم که در گرفت، جلسات این جوانان تا مدتی تعطیل شد و متوقف؛ و پس از جنگ که آنها از آسیا افتاد با ردیگر اعضای گروه «صفحه نو» یکدیگر را یافتند و طرح‌هایی تازه ریختند و برای نخستین بار مجموعه‌ای از اشعار یکدیگر را چاپ زدند و نشر کردند.

تردیدی نیست که آشنائی به زبانهای فرانسه و انگلیسی که تقریباً همه اعضا را، کم و بیش، در آن سهمی بود در بچه‌هایی دیگر به افق دید و شعر آنها گشود، ادبیات غرب سخت متأثرشان کرد. از اینرو شعر این شاعران کمتر رنگ و روی شرقی دارد.

اکنون گروه ادبی «نوراج» ۸ عضو دارد که دو نفرشان قصه نویسند و شش تای دیگر، شاعر. شعر این هر شش تن شهرت دنیائی دارد، در این جنگ کوچک نمونه‌هایی از شعر چهار شاعر این گروه آمده است.